

## خلاع معنویت در فتنه و اغتشاشات اخیر

### The Void of Spirituality in the Recent Sedition and Riots

#### مقاله

در بحران اخیر، عوامل آشکارساز که مانند کشیدن کبریت در انبار باروت عمل می‌کند، بازداشت مهسا امینی و فوت او بود. ولی این رویداد فقط یک بهانه بود. اگر این اتفاق نمی‌افتداد، مطمئناً دنبال اتفاق دیگری بودند. رفتارهای هنجارشکنانه و دشنامهایی که در بعضی از دانشگاه‌ها داده شد و بعضی خودداری بعضی از استادی و معلمان از حضور در کلاس درس نشان داد که قصور معنوی در دستگاه‌های مسئول پیشینه بلندی دارد.

توطئه، تحریک، مداخله، تشویق و حمایت کشورهای دشمن از اغتشاشگران؛ فرصلت طلبی و خرابکاری گروه‌های تجزیه‌طلب؛ اعتراض به تضییع حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی؛ اعتراض به گشتن ارشاد؛ اعتراض به حجاب اجباری؛ اعتراض به نادیده گرفته شدن حقوق زنان؛ موضع گیری و تحریک سلبریتی‌ها؛ تحریک سازمان منافقین، سلطنت طلبان و سایر گروه‌های مخالف نظام؛ و ... از یک سو و از سوی دیگر تاخیر در اطلاع‌رسانی به موقع و مناسب از سوی رسانه ملی و مسئولین به عنوان عوامل تشید کننده در این بحران بودند.

افزون بر عوامل فوق، عوامل متعددی در تداوم این بحران نقش داشتند. از جمله حمایت از اغتشاشگران از سوی تعداد قابل توجهی از سیاستمداران امریکا و اروپا از جمله بایدن، رئیس جمهور امریکا؛ "ایران را آزاد می‌کنیم"، رئیس مجلس نمایندگان امریکا، کلینتون، وزرای خارجه امریکا، کانادا، سوئد، آلمان، بلژیک، اسپانیا، شیلی، فرانسه، و ...؛ هنرپیشگان، سینماگران، فوتبالیست‌ها، موسیقی‌دانان، و ...؛ ملاقات رئیس جمهور فرانسه با یک مخالف معاند (مسی علیتزاد)؛ ملاقات صدراعظم آلمان با علی کریمی و ۵ دقیقه ویدئو که ما نگرانیم. بمباران رسانه‌ای با اخبار کاملاً دروغ (مثلاً یکی از نیروهای انتظامی به دختر ۱۴ ساله تجاوز کرد). به دنبال آن انفجار و آتش زدن بازار و حمله به پاسگاه‌ها در سیستان و بلوچستان و ...؛ ارسال تعداد زیادی اسلحه و مواد مخدر (کشف شده توسط فراجا، وزارت اطلاعات و ...) از کانال‌های مختلف؛ تعیین رئیس جمهور برای ایران توسط مقام امریکایی، آن

بحran اخیر در کشور را می‌توان از زاویه عوامل زمینه‌ساز (داخلی و خارجی)، عوامل آشکارساز، عوامل تشید کننده و عوامل تداوم بخش مورد بررسی قرار داد. از جمله عوامل زمینه‌ساز داخلی می‌توان به مشکلات اقتصادی (تورم، بیکاری، فقر، ...؛ تفاوت در گفتار و رفتار مسئولین، کاهش سرمایه اجتماعی (ناامیدی نسبت به آینده، تصمیم‌گیری‌های غلط و انتقادناپذیری)؛ کاهش عدالت اجتماعی (بی‌عدالتی و مهمتر از آن احساس بی‌عدالتی)؛ تبعیض و فاصله طبقاتی؛ نقش فضای مجازی؛ نقش رسانه‌ها (بزرگ کردن سلبریتی‌ها)؛ وجود جریان نفوذ در همه سطوح دولت و شناخت ناکافی و تعامل نامناسب و محدود با نوجوانان و جوانان، کم توجهی به مسائل فرهنگی و انتخاب راههای مناسب برای مقابله با آسیب‌های فرهنگی و ... اشاره کرد.

از طرفی عوامل خارجی که در این بحران نقش داشتند را می‌توان به دشمنان جمهوری اسلامی ایران با سردمداری امریکا و غرب اشاره کرد که استقلال و اقتدار جمهوری اسلامی ایران برایشان قابل تحمل نیست و به انحصار مختلف درصد فروپاشی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران هستند. دشمنان با دادن حجم وسیعی از آمارهای دروغ سعی در القای حس بدیختی در مردم ایران دارند. ضمن اینکه احساس بدیختی از خود بدیختی رنج‌آورتر است. به علاوه با راهاندازی شبکه‌های متعدد ماهواره‌ای (از جمله: من و تو، صدای امریکا، ایران اینترنشنال، بی‌بی‌سی، ایران فردا، ...) سعی در ترویج این القات را دارند. افزون بر آن پروژه‌های متعددی از جمله پروژه تقسیم ایران؛ پروژه حمله منافقین (عملیات مرصاد)، پروژه سوریه‌سازی ایران؛ پروژه داعش؛ پروژه هزار خنجر، پروژه تحریک معلمان، دانش آموزان، دانشجویان، کارگران، سلبریتی‌ها و ... و با استفاده از تکنیک‌های روانشناختی تعییر رفتار، مدیریت ذهن، عملیات روانی، جنگ ترکیبی و ... را برای سقوط نظام طراحی کردند. یکی از علت‌های تاثیر عملیات روانی بر جوانان، دوری آن‌ها از ارزش‌های معنوی انقلاب و ضعیف بودن یا نبود نقش تربیتی در مدرسه و دانشگاه است.

بجای برخوردهای تند و امنیتی؛ اعتماد و اطمینان مردم نسبت به عملکرد دولت را جلب کنیم؛ فضا و فرصتی برای تخلیه هیجانات نوجوانان و جوانان فراهم کنیم؛ فرصت‌هایی برای گفتگو و پاسخ به سوال‌های نوجوانان و جوانان در مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها فراهم کنیم؛ صدا و سیما انعکاس درست، دقیق، بجا و به موقع از وقایع داشته باشد تا شبکه‌های معاند نتوانند سوء استفاده کنند. در رسانه‌های جمعی و فضای مجازی حضور فعالانه پیدا کنیم، از خواص بخواهیم بی‌کفايتی را کنار بگذارند و فعالانه در جهت کمک به نسل جوان وارد صحنه شوند، اقتدار پلیس را با حمایت همه جانبیه، حفظ کنیم و به سخنان مقام معظم رهبری اعتماد و اعتقاد قلی داشته باشیم. در این رابطه روزنامه امریکایی بواسنودی به نقل از اندیشکده امریکن اینترپرایز می‌نویسد: "بزرگترین مشکل امریکا در ایران، حضور یک ابر حریف به نام آیت‌الله خامنه‌ای است که نقشه راه را می‌شناسد و مردم به او اعتماد آمیخته با اعتقاد دارند".

راهکارهای بلند مدت عبارتند از: توجه به نظرات افراد و احزاب مخالف، ناراضیان و معتبرضان و شنیدن نظرات آنان در صدا و سیما؛ درک درست از مطالبات ناراضیان و معتبرضان؛ تأکید بر اقتصاد، معیشت و رفاه مردم؛ حل اشتغال جوانان، حل آسیب‌های اجتماعی (قرقره، طلاق، اعتیاد، روابط فرازانشوبی، ...); کنترل فساد مسئولین و آقازاده‌ها در هر سه قوه؛ مبارزه با اختلاس‌ها به طور جدی و ملموس؛ جلوگیری از رانت‌خواری‌های مسئولین و واپستانگان آن‌ها؛ صداقت مسئولین در عمل نه در شعار؛ شفافسازی امور؛ رفع تعییض‌ها و نابرابری‌ها در همه امور و سطوح کشور؛ تلاش همه‌جانبه برای ترمیم سرمایه اجتماعی کشور؛ خودداری از روش‌های حذفی در اداره امور؛ ایجاد زمینه برای حضور و مشارکت همه افرادی که به سرنوشت انقلاب و ایران علاقه‌مند هستند (با هر قومیتی، هر خط سیاسی، هر مذهبی و ...); شناخت نیازها و خواسته‌های زنان و روانی-اجتماعی نسل جدید؛ شناخت نیازها و خواسته‌های مدیریتی بالا؛ ارتقا و تقویت هویت ایرانی-اسلامی؛ ارتقا و تقویت سرمایه روان‌شناختی آحاد جامعه (امیدآفرینی، خوشبینی، تاب‌آوری و خودکارآمدی)؛ آسیب‌شناسی به منظور مشارکت بیشتر مردم در انتخابات؛ به رسمیت شناختن حق اعتراض مردم و مدیریت صحیح آن؛ جدی گرفتن جهاد تبیین. مدیریت فضای مجازی: (دشمن از لحاظ خبردهی، خبررسانی و تحلیل داده‌ها آنگونه که خودشان می‌خواهند، ذهن جوانان را مدیریت کرده و می‌کند. دشمن مقیاس درگیری را از جنگ در عرصه عالم عینی به عالم حکمرانی مجازی و سایبری تغییر داده است و به شدت تلاش می‌کند حکمرانی مجازی را گسترش دهد). ما باید سطح توان خودمان را بالا ببریم. ایجاد و تقویت نهادهای میانجی تا بتواند مطالبات مردم ناراضی (اکثریت مردم) را از نظام مطالبه و پیگیری کند. سازمان‌های مردم نهاد (NGO) و اتحادیه‌ها و انجمن‌ها

هم یکی از شقی‌ترین تروریست‌های شناخته شده؛ تامین مالی اغتشاشگران (اعتراف برخی از دستگیر شدگان توسط وزارت اطلاعات)؛ کشت‌سازی‌های مختلف به انجاء و اشکال مختلف و ...؛ تشویق مخالفین و معتبرضان خارج‌نشین که نفرت مطلق از نظام دارند و تنها سرنگونی نظام را دنبال می‌کنند، و ... از جمله عوامل تداوم بخش خارجی بود. از جمله عوامل تداوم بخش در داخل کشور تشویق به نخریدن محصولات شرکت‌های بزرگ (مثل شرکت میهن و ...): تشویق به بیرون کشیدن پول‌ها از بانک‌ها؛ تشویق به عدم شرکت در کنکور؛ تبلیغ در مورد اینکه هر ایرانی که در خیابان اعتراض نمی‌کند، خائن است؛ تشویق به آشوب و براندازی و ارائه روایت‌هایی یکسوبه که جو نگرانی از آینده را در دل مردم پررنگ می‌کنند و خططاها و ناکارآمدی‌ها را برجسته می‌سازد؛ تشویق به خشونت بیشتر مثل: بازکردن ریل راه آهن تبریز به تهران در مجده‌ود قزوین (که با گزارش یک دامدار خنثی شد)؛ تشویق به بی‌حجابی (با شروع چهارشنبه‌های سفید و با استفاده از روش رفع حساسیت تدریجی)؛ تشویق به عمامه پرانی و ... بود.

پیامدهای بحران به دو بخش پیامدهای فوری و پیامدهای بلندمدت تقسیم می‌شوند. پیامدهای فوری بحران عبارتند از: دو قطبی شدن جامعه (به شکل خودی- غیرخودی / طرفدار- مخالف / با حجاب- بی‌حجاب / مذهبی- غیرمذهبی / مردم- مسئولین / بسیجی- غیربسیجی و ...); تشدید نفرت در بین مردم؛ تشدید خشونت در جامعه؛ کاهش سطح سلامت روانی مردم؛ بالا رفتن هزینه سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی؛ زیان‌های اقتصادی برای مردم و دولت؛ زیان‌های ناشی از قطع اینترنت؛ ضعیف شدن مواضع دولت در صحنه بین‌المللی؛ جری شدن مردم برای مقابله با نیروی انتظامی؛ تشدید بی‌حجابی و ... پیامدهای احتمالی بلندمدت این بحران نیز عبارتند از: تکرار اغتشاشات با شدت و آسیب بیشتر؛ تشدید شکاف‌های قومی و مذهبی؛ رشد تمایلات تجزیه طلبانه و افزایش خطر تجزیه؛ کاهش مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم در امور کشور (از جمله انتخابات آینده و ...؛ کاهش مشروعیت نظام؛ افزایش مهاجرت بویژه مهاجرت افراد تحصیل کرده؛ جنگ داخلی و تمایلات تجزیه طلبانه؛ فشار اقلیت جامعه (اغتشاشگران) بر اکثریت جامعه و ...).

برای پیشگیری از بحران‌های مشابه در آینده، راهکارهای کوتاه مدت و بلند مدت وجود دارند. در کوتاه مدت اعتراف‌ها را بپذیریم و روش‌هایی که مردم را ناراضی می‌کند را متوقف کنیم. اشتباهات را بپذیریم و سیاست‌های غلط را تغییر دهیم و در صدد جبران آن برآییم. در غیر این صورت ناراضیان را ناراضی تر می‌کنیم و جو نامیدی گسترش می‌باید و فضا را برای اغتشاشگران و براندازان فراهم‌تر می‌کند. برخورد پدرانه با معتبرضین و برخورد شدید با اغتشاشگران (أشداءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحْمَاءُ بَيْنَهُمْ -فتح / ۲۹) داشته باشیم. گفتگو و مفاهeme را سرلوحه کار خود قرار دهیم،

توجه به سلامت معنوی و نهادینه کردن آن در دوره‌های مختلف رشد و تکامل کودکان و نوجوانان و پررنگ کردن نقش تربیتی و پرورشی در مدارس و دانشگاه‌ها، معرفی الگوهای سلامت معنوی به قشر جوان، استفاده از تجارت دفاع مقدس و جهادگران برای به کارگیری جوانان در صحنه‌های فدکاری و جهاد می‌تواند عامل بازدارنده در الحاق جوانان به فتنه و اغتشاش باشد.

**علی فتحی آشتیانی، حسن ابوالقاسمی**  
سردبیر مجله

(علمی و صنفی) و رسانه‌ها (سربال‌های خانگی، تلویزیون‌های کابلی و مطبوعات)، که مستقل از دولت شکل گرفته‌اند می‌توانند نقش میانجی را ایفا کنند و اعتماد را به تدریج بازگردانند. علاوه بر همه موارد فوق که هر یک از اهمیت بسیار زیادی برخوردارند، به نظر می‌رسد لازم است تجدیدنظر اساسی در نقش واقعی آموزش و پژوهش، رسانه ملی، حوزه‌های علمیه، سازمان‌های فرهنگی و تبلیغاتی و ... به منظور تقویت باورهای دینی و معنوی در آحاد جامعه بویژه کودکان، نوجوانان و جوانان صورت گیرد. بحران اخیر نشان داد نظام در تحکیم باورهای دینی و معنوی، کوتاه‌هایی داشته است و نیاز به تجدیدنظر اساسی وجود دارد.